روزنامه شرق

پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۹۹ • ۳ ذی‌القعده ۱۴۴۱ • ۲۴ ژوئن ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۵۰ • موقتا ۱۲ صفحه + ۸ صفحه ویژه‌نامه • ۵۰۰۰ تومان

حسن روحانی:

معطل انتخابات آمریکا نیستیم

گروه سیاست: رئیس‌جمهوری برای بار چندم موضع خود درباره مذاکره در چارچوب برجام با آمریکا را این‌گونه یادآور شده است: «آماده مذاکره‌ایم، اگر عذرخواهی کرده و ضرر را جبران کنند». دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا که خود ...

صفحه ۲

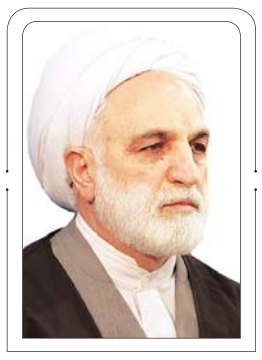

اژه‌ای درواکنش به مرگ قاضی منصوری:

مقامات رومانی باید پاسخ‌گو باشند

گروه سیاست: «مقامات رومانی باید پاسخ‌گو باشند»؛ این پاسخ محسنی‌اژه‌ای در رابطه با پرونده قاضی منصوری است که بعد از اعلام بازداشتش در رومانی در هتل محل اقامت خود به طرز مشکوکی فوت کرد؛ هرچند اصل مرگ او نیز هنوز تأیید نشده...

صفحه ۲

بازداشت جعبه سیاه کشتیرانی

دستگیری آخرین حلقه پرونده تخلف مالی در ماجرای کشتی های اجاره‌ای

گروه اقتصاد: اواسط آبان ۱۳۹۸ خبر رسید که مدیرعامل سابق کشتیرانی به اتهام دریافت رشوه چهارمیلیون‌دلاری بازداشت شده است. هرچند امروز آن مقام مسئول دیگر بازداشت نیست و تبرئه شد، اما ماجرایی که به‌خاطر آن پایش به بازداشت کشید، دامن دیگران را گرفت. «ع.ا.غ»، مدیرعامل شرکت حمل فله کشتیرانی، به‌عنوان آخرین حلقه از بازداشتی‌های پرونده فساد مالی و حقوقی در شرکت کشتیرانی ایران، روز سوم تیر بازداشت شد. پیش‌تر از افراد دیگری که در این باند قرار داشتند، بازخواست شده و بعضا بازداشت شده بودند. در این بین، پای کشتی‌های یونانی معروف در میان بود.

ادامه در صفحه ۵

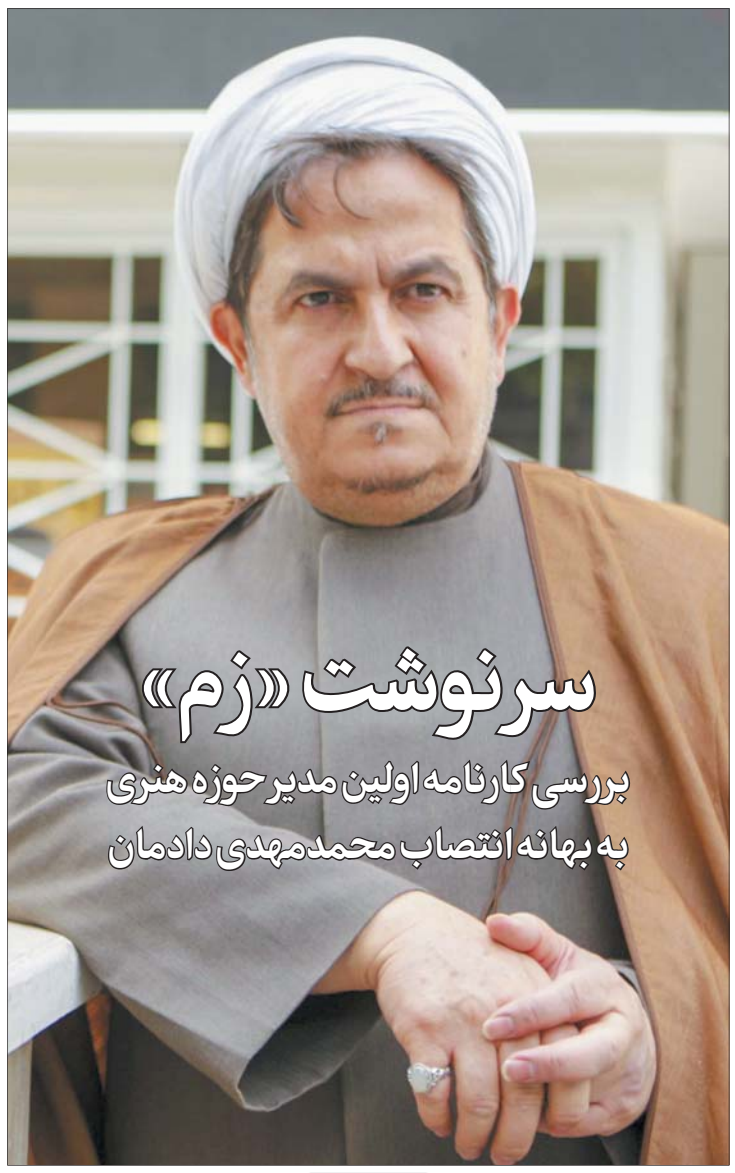

سرنوشت «زم»

بررسی کارنامه اولین مدیر حوزه هنری به بهانه انتصاب محمدمهدی دادمان

عکس: مهدی حسنی

صفحه ۲

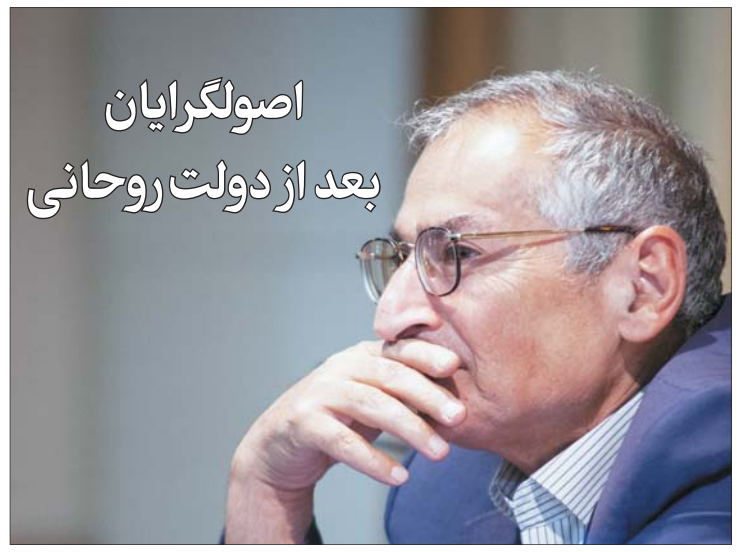

اصولگرایان بعد از دولت روحانی

صادق زیباکلام: معضلاتی که کشور را در خود فروبرده، دارد دامنه وسیع‌تری پیدا می‌کند. اصولگرایان مدت‌هاست انگشت اتهام را به سمت روحانی نشانه رفته‌اند. ای کاش این‌گونه بود و مقصر بحران روحانی و دولتش بودند. اینکه آرزو می‌کنم که حق با اصولگرایان می‌بود، از این بابت است که عمر دولت روحانی، یک سال دیگر به پایان می‌رسد و احتمال دارد اصولگرایان انقلابی همان‌طورکه مجلس یازدهم را در انحصار خود گرفتند، در انتخابات سال آینده، قوه مجریه را هم در اختیار بگیرند؛ در آن صورت دیگر روحانی نیست، همچنان که مجلس دهم هم یک ماهی هست که جای خود را به مجلس یازدهم داده، روحانی هم جای خود را به سعید جلیلی، محمود احمدی‌نژاد، یا یک اصولگرای دیگر خواهد داد؛ اما همان‌گونه که مجلس انقلابی یازدهم فعلا چه باید کردی در چنته نداشته، رئیس‌جمهور انقلابی بعد از روحانی هم نخواهد توانست در وضعیت موجود گامی در جهت رفع بحران و عادی‌سازی شرایط اقتصادی کشور بردارد.

بگذارید با یک ضرب و تقسیم ابتدایی بودجه سال جاری کار را شروع کنیم تا مشخص شود که دلار ۲۰ هزار تومانی از کجاها نشئت می‌گیرد. بودجه عمومی دولت در سال جاری در حدود ۴۸۰ هزار میلیارد تومان است؛ یعنی برای اداره کشور (واردات مواد غذایی، حقوق کارکنان دولت، بهداشت و درمان، هزینه‌های نظامی و...) به این حجم اعتبار نیاز است. صرف‌نظر از آنکه رئیس‌جمهور اصولگرا باشد یا میانه‌رو، تندرو باشد یا اصلاح‌طلب، به‌هرحال واردات دارو، مواد غذایی، پرداخت ۱۲۰ هزار میلیارد تومان به حدود پنج میلیون حقوق‌بگیر و سایر اقلام سر جای خودش باقی می‌ماند. حتی قبل آنکه کرونا بیاید، دولت ۱۵۰ هزار میلیارد تومان یا نزدیک به یک‌سوم آن ۴۸۰ هزار میلیاردتومان را نداشت (با کسر بودجه مواجه بود). بودجه در آذرماه به تصویب مجلس رسیده بود. تقریبا نیمی از هزینه‌ها از محل دریافت مالیات (۱۹۵هزارمیلیارد تومان) و صادرات نفت (یک میلیون بشکه در روز از قرار میانگین بشکه‌ای ۵۰ دلار).

تحریم‌ها و کرونا همه ضرب و تقسیم‌های دولت و مجلس را بر باد دادند. تحریم‌ها صادرات را از یک میلیون بشکه، در خوش‌بینانه‌ترین حالت به کمتر از صد هزار بشکه در روز رساندند. هنوز سال به انتها نرسیده بود که بهای نفت به کمتر از ۲۰ دلار کاهش یافت. بماند اینکه ایران به‌واسطه دورزدن تحریم‌ها مجبور است تخفیف هم بدهد و همان صد هزار بشکه را هم خیلی کمتر از قیمت رسمی می‌فروشد. درآمدهای نفتی به کنار، کرونا دمار از روزگار درآمدهای مالیاتی کشور تا همین‌جا درآورده است. امیدعلی پارسا، رئیس سازمان مالیاتی کشور، چندی پیش اعلام کرد اگر بعد از خردادماه وضعیت کشور در رابطه با کرونا عادی شود، در چهار ماه منتهی به پایان خرداد، کرونا نزدیک به یک‌چهارم درآمدهای مالیاتی امسال را از بین برده است. خرداد به پایان رسید و کرونا بعد از اندکی فروکش، باز در حال شدت‌یافتن است؛ یعنی سرنوشت نفت و مالیات، دو تأمین‌کننده اصلی آن ۴۸۰ هزار میلیارد تومان فعلا نامعلوم‌اند. یک‌سوم بودجه هم که از ابتدا کسر بود.

فرض بگیریم به‌جای روحانی و نوبخت، کینز، فریدمن و آدام اسمیت و به‌جای مدیران و وزرای «بی‌حال» روحانی (حسب ادعای اصولگرایان)، تورگوت اوزل، ماهاتیر محمد یا آنگلا مرکل، سکاندار قوه مجریه در ایران می‌شدند. با بودجه‌ای که حداقل نیمی از درآمدهای آن از میان رفته، چگونه قرار است یک کشور ۸۵ میلیونی را اداره کنند؟ ممکن است برخی از اصولگرایان، به شعارهایی که می‌دهند مانند «مدیریت جهادی»، «جوان‌گرایی»، «اتکا به منابع داخلی به‌جای چشم‌دوختن به خارج از کشور»، «خودکفایی و ایستادن روی پاهای خود»، «تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها» و... واقعا باور داشته باشند؛ اما بی‌تردید بسیاری از آنان که بیشتر اهل حساب‌وکتاب و منطق هستند، می‌دانند که با شعار نمی‌توان منابع مالی پنج میلیون حقوق‌بگیر را تأمین کرد. شعارهای پرزرق‌وبرق، نه مانع از گسترش خط فقر شده‌اند و نه توانسته‌اند جلوی آب‌رفتنِ طبقه متوسط در ایران را بگیرند. بماند حجم وسیع سرمایه‌های ایرانیان که به‌واسطه فرورفتن کشور در شرایط موجود، تورم حداقل ۵۰ درصدی، کاهش منظم ارزش ریال و بالارفتن دلار و شاید مهم‌تر از همه اینها، فقدان امنیت اقتصادی، دارایی‌های خود را به‌جای به‌کارگرفتن در تولید و ایجاد اشتغال، در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در حوزه سیاسی، اصلاح‌طلبان حکایت آش نخورده و دهان سوخته را پیدا کرده‌اند. بسیاری از آنها نقشی در اتخاذ سیاست‌هایی که کشور را به این روز انداخته نداشته‌اند، اما در عوض و در نزد افکار عمومی باید پاسخ‌گوی هرینه‌های آن سیاست‌ها باشند. پس چه بهتر که همه قدرت را به اصولگرایان واگذار کنند تا تکلیف همه هم روشن شود و خودشان مجبور به پاسخ‌گویی در قبال سیاست‌هایشان باشند.

آنچه مسلم است، وضعیتی که کشور در آن قرار گرفته نمی‌تواند به‌همین‌صورت و برای مدت طولانی‌تری ادامه پیدا کند. دلار رفته به بالای ۲۰ هزار تومان و سکه هشت‌ونیم میلیون. با توجه به تمایل‌نداشتن بسیاری از بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان برای شرکت در انتخابات سال آینده، احتمال می‌رود قوه مجریه هم به‌دنبال قوه مقننه به دست اقلیت اصولگرایان بیفتد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

اغریرث، دشمنی ستودنی در شاهنامه

مهدی افشار
پژوهشگر

انسان‌گرایی و ستایش از شرافت انسانی در سراسر شاهنامه به‌روشنی مشهود است و حکیم توس به حق، به نهان و عیان و به تلویح و تصریح از اخلاق برتر ایرانی در حفظ مقام انسانی سخن می‌گوید و به‌نوعی، خلق‌وخوی و حتی سرشت و نهاد ایرانی را برتر می‌شمرد. فردوسی در جدال بین خیر و شر، پایگاه و جایگاه ایرانی را در حمایت و پشتیبانی از خیر و جدال با شر در مقایسه با دیگر اقوام، استوارتر و درخشان‌تر جلوه می‌دهد و اگرچه در تمامی دوران پهلوانی شاهنامه از عهد فریدون تا مرگ رستم، سخن از مردی و مردانگی ایرانیان است و نبردهای ایرانیان با تورانیان نه از سر آزمندی و گسترش قلمروهای سرزمینی و توسع‌بخشیدن به حوزه نفوذ و قدرت خویش که در دفاع از مرزهای توافق‌شده، احقاق حقوق تضییع‌شده و فراتر پاسداشت خونی است که به بی‌داد ریخته شده؛ بااین‌حال آن‌چنان نیست که در اردوگاه ایرانی، همه شرافت باشد و فضیلت و در اردوگاه مقابل همه لئامت و رذیلت.

شاهنامه و به تبع آن، حکیم توس در هرجا که خرد، انسانیت و تجلیات برتر انسانی نمود می‌کند، به ستایش سخن می‌گوید، خواه این نمود در ایران و در میان ایرانیان باشد و خواه در توران یا در هرجای دیگر.

ایرج ستایش می‌شود به جهت آنکه آزردگی برادران را تاب و تاو نمی‌آورد و می‌رود که به آنان بگوید هیچ از تقسیم‌بندی پدر نمی‌خواهد و همه آنچه پدر به او اعطا کرده، از آن آنان باشد و نیز سیاوش ستوده می‌شود، چراکه نماد پاکی و پاکدامنی است، بر پیمان خویش پایدار است و آن پایاب را ندارد که گروگان‌هایی را که افراسیاب به تضمین آشتی‌جویی نزد او گسیل داشته، به کاووس زودخشم زخم‌خورده از تورانیان بسپارد، زیرا می‌داند که پدرش همه آنان را گردن خواهد زد و سیاوش خود را قربانی می‌کند تا دیگران به‌ناحق قربانی نشوند.

شاهنامه در اردوگاه دشمن نیز چهره‌هایی را می‌شناسد و بازمی‌شناساند که طبایع و خلقیاتی ستودنی دارند. اگر فردوسی، میهن‌دوستی و عشق به زادگاه و تعهد به هم‌میهنان خویش را در اردوگاه خودی می‌ستاید، همین خلقیات و فضایل اخلاقی را در اردوگاه مقابل نیز ستایش می‌کند و اغریرث، پور پشنگ، برادر افراسیاب از جمله دشمنان ستودنی است که به نیکی از او یاد می‌شود.

زمانی‌که پشنگ با آگاهی از مرگ منوچهرشاه و ناتوانی نوذر در ملک‌داری؛ با فرزندش، افراسیاب و سپهدارش، پیران ویسه، از آنچه منوچهر با سلم و تور کرده و از کشتاری که از سپاه توران می‌داشته، سخن می‌گوید؛ افراسیاب جوان به خروش آمده، آرام و قرار از دست می‌دهد و اظهار می‌دارد آن قدرت و جسارت و زور بازو را دارد که با شیران بجنگد و هماورد سالار دلیران باشد و بر این باور است آنچه نیای او، زادشم با گرشاسپ کرد، همانی بود که باید می‌کرد و آنچه نیا به کمال نرسانده، وظیفه خود می‌داند آن را به کمال رساند که دیگر زمان شورش و رستخیز است.

پشنگ نیز چون سهی‌قدی، ستبریِ سینه و بازوان فرزند برومند خود را می‌بیند، فرمان می‌دهد تیغ جنگ را برکشد و با سپاهی تیزچنگ به جنگ ایرانیان رود.

از دیگر سوی اغریرث، چون شوق خون‌ریزی را در برادر می‌بیند، با سری پر از اندیشه و دلی آکنده از مهر به انسانیت نزد پدر می‌رود و به او می‌گوید: «پدر خردمند من! تو که پست و بلند روزگار را دیده‌ای و تجربه اندوخته‌ای؛ اکنون تو سرور ترکان هستی و طبعا در برابرشان مسئولی، گرچه منوچهر با این جهان وداع گفته، اما در سپاه ایران سپهدارانی چون سام نیرم و قارن رزم‌زن حضور دارند و تو خود شاهد بوده‌ای که با سلم و تور چه کرده‌اند و بهتر آن است در اندیشه کین‌جویی نباشی که برای تورانی و توران‌زمین فرجامی تلخ خواهد داشت».

اما پشنگ به پشتوانه جسارت و تیزجنگی فرزندش افراسیاب، تنها به جنگ و کشتار ایرانیان می‌اندیشد و از اغریرث می‌خواهد که در این نبرد، برادرش را همراهی کند و به او مشورت دهد و به سرزنش به او می‌گوید: «فرزندی که انتقام خون نیاکان خود [تور] را نخواهد، شایسته است که نژاد او را پاک و ناب ندانید».

پسر را چنین داد پاسخ پشنگ/ که افراسیاب آن دلاور نهنگ/ یکی نره‌شیر است روز شکار/ یکی پیل جنگی گه کارزار/ تو را نیز با او بباید شدن/ به هر بیش و کم رأی فرخ زدن/ نبیره که کین نیا را نجست/ سزد گر نخوانی نژادش درست

با فرارسیدن فصل بهار که جهان درخششی دیگر گرفت و علوفه برای اسبان فراوان و انبوه گشت، افراسیاب به فرماندهی سپاهی از تورانی و چینی به‌سوی جیحون رفت و چون آن سپاه به مرز مشترک دو کشور رسید، نوذر را از پیمان‌شکنی ترکان آگاه گرداندند.

ادامه در صفحه ۴

سرمقاله

هفته متفاوت قوه قضائیه

محمدعلی ابطحی . عضو مجمع روحانیون

امسال قوه قضائیه هفته بزرگداشت متفاوتی دارد.

هفته قوه قضائیه به مناسبت شهادت مرحوم آیت‌الله سیدمحمد بهشتی نام‌گذاری شده که در هفتم تیر ۱۳۶۰ با ۷۲ نفر دیگر در انفجار حزب جمهوری اسلامی توسط سازمان منافقین به شهادت رسیدند. این شهادت مناسبتی برای برگزاری هفته قوه قضائیه شد. از زمان آغاز به کار قوه قضائیه در ایران مدت کوتاهی آیت‌الله بهشتی و سپس آیت‌الله موسوی‌اردبیلی و پس از امام حضرات آیات یزدی، هاشمی‌شاهرودی و صادق لاریجانی سه دوره در این قوه ریاست کردند و به‌تازگی حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی مسئولیت این قوه را بر عهده دارند.

غیر از مرحوم بهشتی و آقای رئیسی، مبنای انتخاب دیگران آشنایی آنان به مبانی فقهی و اجتهادی بود و دلیل انتخابشان پشتوانه احکام فقهی بود و نه مدیریت تحول‌خواه اجرائی.

در انتخاب آقای رئیسی علاوه بر مسائل فقهی، مسئله قدرت مدیریت و نظارت او هم مطرح بود.

امسال به‌همین‌دلیل و دلایل زیر سالگرد متفاوتی برای قوه قضائیه پیش‌بینی می‌کنم:

۱- ریاست فعلی قوه قضائیه در ۲۰ سال گذشته تقریبا نفر دوم این قوه بوده است. پرسیده می‌شود که در سال‌های گذشته، چرا بخشی از نظراتی را که الان اعمال می‌کند، اعمال نکرده و درباره افرادی که این روزها محاکمه می‌کند، اعتراض علنی نشده است؛ اما وقتی نامه مرحوم مروی، معاون سابق قوه قضائیه در زمان آقای شاهرودی و در ابتدای ورود اکبر طبری در ۲۰ سال پیش را دیدم، فهمیدم دو رئیس قوه قضائیه متأخر اجازه دست‌زدن به طبری را نمی‌دادند. به‌هرحال آشنایی با نقاط ضعف و قدرت این قوه از خصوصیات آقای رئیسی است که می‌تواند عامل واقعی تحول بزرگ در این نهاد باشد و به گذر زمان و کارآموزی نیاز ندارد.

۲- در دوران آملی‌لاریجانی هرچه از سخنان ایشان می‌شنیدیم، عمدتا در حوزه غیرقضائی بود. فتنه و مخالفت با آمریکا و اشاره به مخالفان داخلی، ترجیع‌بند سخنانشان بود. این مسائل باعث شد مشکلات داخل سیستم قضائی روزبه‌روز فربه‌تر شد.

سخنان رئیس جدید قوه قضائیه عمدتا بر محور مسائل قضائی بوده که این شایسته تقدیر است. واقعا رئیس قوه قضائیه باید به حل مشکلات حوزه خودش بپردازد. همین باعث شده خیلی از مسائل قضائی بیشتر از همیشه در چشم و گوش مردم قرار گیرد و کورسوی امید بیافرینند.

۳- درجریان‌بودن محاکمه اکبر طبری، بازوی قدرتمند ۲۰ساله قوه قضائیه در هفته قوه قضائیه از ویژگی‌های امسال بزرگداشت سالگرد این قوه است.

اکبر طبری عبرت‌آموز است. تن‌دادن به محاکمه طبری، تن‌دادن به محاکمه فساد در دستگاه قضائی است. تا وقتی هر دستگاهی نسبت به فساد درونی خودش حساس نباشد، فساد گسترش می‌یابد. دولت و مجلس هم باید قبل از ورود سیستم قضائی خود به فسادیابی بپردازند؛ اما چون رویه بر این بوده که قوه قضائیه همیشه مدعی‌العموم سایر قوا بوده و کسی از مفاسد داخل آن قوه اطلاع پیدا نمی‌کرده است و برخی درون این قوه به‌دنبال شعارهای تندتر سیاسی برای رشد بودند، محاکمه دانه‌درشت سیستم قضائی- به هر دلیلی باشد - اتفاق مهمی است.

شنیده‌ام وقتی آقای رئیسی حکم گرفت، قبل از اینکه در دفترش استقرار پیدا کند، دستور داده که اکبر طبری از قوه قضائیه برود. چنین پیشانی‌سفیدی بوده است، محاکمه‌اش باید ادامه یابد و باورپذیر باشد.

جامعه از رئیس و سیستم قضائی انتظار متفاوتی دارد؛ از یک سو مین‌های خطرناکی جلوی پایشان هست که نقشه‌اش را هم نداده‌اند؛ بعضی افراد مسئول، خودشان مین هستند و بعضی پیشنهادها نیز همین‌طور و مهم‌تر پرونده‌هایی که بدون رعایت ضوابط در مراحل بازجویی در دامن سیستم قضائی گذاشته می‌شوند. امسال بارقه امیدی در جامعه ایجاد شده است که سیستم قضائی را باور کند؛ خدا کند این بارقه به یأس تبدیل نشود. سالگرد هفته قوه قضائیه بر همه کارمندان شریف دستگاه قضائی مبارک باشد. مردم به‌جای نفس عدالت می‌خواهند و عدالت در برخورد بی‌تبعیض و شفاف قوه قضائیه ممکن خواهد شد.

تیترها

خاطرات بولتون درباره لغوحمله آمریکا به ۳ هدف درایران

روایت حمله‌ای که انجام نشد

صفحه ۲

اصولگرایی علیه اصولگرایی بر سر تاجگردون

صفحه ۳

یاد

ویژه‌نامه زنده‌یاد محمد امیرمظاهری در سالگرد تولدش

حرف اول

الزامات بازگشت آرامش به لبنان

صباح زنگنه . تحلیلگر روابط خارجی

لبنان به‌عنوان یکی از کشورهای مهم خاورمیانه، روزهای حساسی را می‌گذراند. بعد از اعتراض‌های این کشور که منجر به کناره‌گیری سعد حریری از نخست‌وزیری شد، بحث حضور چهره‌ای تکنوکرات و متخصص برای بهبود شرایط این کشور، از خواسته‌های اصلی معترضان بود. نزدیک به ۴۰ درصد جوانان لبنانی با مشکل بی‌کاری مواجه بوده و بدهی لبنان به بانک‌ها، کشورهای مختلف و مؤسسات خارجی حدود ۶۹ میلیارد دلار برآورد می‌شود. لبنان فقط هشت میلیون نفر جمعیت دارد و این عدد بالایی برای بدهی خارجی محسوب می‌شود. در کنار اینها، وجود طبقه اشرافی و ثروت‌های افسانه‌ای مقامات سیاسی که از امکانات مادام‌العمر بهره می‌برند، فساد سیستمی را در این کشور ایجاد کرده است. پست‌های سیاسی نیز بین اقلیت‌های دینی و مذهبی تقسیم می‌شود؛ به این شکل که مسیحیان ریاست‌جمهوری، مسلمانان اهل سنت نخست‌وزیری و دولت و شیعیان پارلمان را در دست دارند. تبعیض در ارائه خدمات، سال‌هاست مردم را رنج می‌دهد و در کنار اینها، دخالت کشورهای غربی و عربی را نیز باید به فهرست مشکلات مردم لبنان افزود. در اعتراض‌های این کشور، مطالباتی مانند تغییر قوانین انتخاباتی و اقتصادی، بانک‌داری و حتی در سطحی بالاتر تغییر قانون اساسی لبنان مطرح شد و سرانجام پس از کش‌وقوس‌های فراوان، حسان دیاب به‌عنوان نخست‌وزیر، مورد اجماع گروه‌ها قرار گرفت. در همان ابتدا حمله شدیداللحن حریری به دیاب، نشان از علاقه‌مندی آنان به برهم‌خوردن شرایط لبنان داشت و این در حالی بود که برخی هم‌حزبی‌ها و متحدان حریری، دیاب را نخست‌وزیری توانمند برای لبنان می‌دانستند. ضلع دیگر مثلث، یعنی اهل تسنن نیز از وی حمایت کردند؛ اما همچنان برخی اعتراض‌ها در سطح مردم دیده می‌شود. دیاب یکی از مستقل‌ترین چهره‌های سیاسی لبنان است، اما تلاش شده به حزب‌الله و جنبش امل نسبت داده شود و احتمالا تیم حریری و حامیان بیرونی او نظیر سعودی‌ها در این مسئله نقش دارند. اینکه بدون دادن فرصت لازم به دیاب برای پیشبرد برنامه‌ها، همچنان معترضان در خیابان‌ها حضور پیدا می‌کنند، دست‌های پشت پرده برای ایجاد بی‌ثباتی در لبنان و ساختن یک حفره امنیتی در این بخش از خاورمیانه را فعال نشان می‌دهد.

ادامه در صفحه ۲